

38-89
۳۸-۸۹

ORIGINAL DOCUMENTS IN SAFE

Case No. 38

Date of filing: 16 MAY 84

** AWARD - Type of Award FINAL
- Date of Award 13 APRIL 84
_____ pages in English 17 pages in Farsi

** DECISION - Date of Decision _____
_____ pages in English _____ pages in Farsi

** CONCURRING OPINION of _____
- Date _____
_____ pages in English _____ pages in Farsi

** SEPARATE OPINION of _____
- Date _____
_____ pages in English _____ pages in Farsi

** DISSENTING OPINION of _____
- Date _____
_____ pages in English _____ pages in Farsi

** OTHER; Nature of document: _____

- Date _____
_____ pages in English _____ pages in Farsi

38-86
41-19

IRAN-UNITED STATES CLAIMS TRIBUNAL

دیوان داوری دعاوی ایران - ایالات

پرونده شماره ۳۸

شعبه سه

حکم شماره ۳ - ۳۸ - ۱۲۲

English version
Filed on 16 APRIL 84
نسخه انگلیسی در تاسیخ
ثبت شده است.

IRAN-UNITED STATES CLAIMS TRIBUNAL
دادگاه داوری دعاوی
ایران - ایالات متحده
ثبت شد - FILED
Date ۱۳۶۳ / ۲ / ۲۶
16 MAY 1984
No. 38

شرینگ کورپوریشن،

خواهان،

علیه

جمهوری اسلامی ایران،

خواننده.

DUPLICATE ORIGINAL
نسخه برابر اصل

حکم

حاضران:

از طرف خواهان : آقای جوزف گریفین،

خانم لوسی رید وکلای خواهان،

خانم کارولین تی. هانسن،

وکیل مشاور شرینگ کورپوریشن.

از طرف خواننده : آقای محمدکریم اشراق،

نماینده رابط جمهوری اسلامی ایران

پروفسور جعفر نیا کی

آقای سیدحسین طباطبائی

آقای محمدرضا معتمدی

دکتر عبداله پوستی

مشاوران حقوقی نماینده رابط

سایر حاضران: خانم جمیسون ام. سلبی ،
قائم مقام نماینده رابط ایالات متحده آمریکا

۱ - جریان رسیدگی

خواهان، شرینگ کورپوریشن ("شرینگ") در تاریخ ۱۶ نوامبر ۱۹۸۱ (۲۵ آبانماه ۱۳۶۰) دادخواستی شامل سه فقره ادعا علیه جمهوری اسلامی ایران به ثبت رساند.

در تاریخ ۱۵ آوریل ۱۹۸۲ (۲۶ فروردینماه ۱۳۶۱) دولت ایران لوائح دفاعیه خود و سه واحدی که ادعاها به آنها مربوط می‌شد، یعنی بانک مرکزی، بنیاد مستضعفان و شورای کارکنان شرکت سهامی شرینگ (ایران) با مسئولیت محدود ("شورای کارکنان") را به ثبت رسانید.

جلسه استماع مقدماتی این پرونده در تاریخ اول اکتبر ۱۹۸۲ (۹ مهرماه ۱۳۶۱) و جلسه استماع آن در ۲۸ فوریه و اول مارس ۱۹۸۳ (۹ و ۱۰ اسفندماه ۱۳۶۱) تشکیل گردید. طرفین قبل از تشکیل جلسه استماع و ضمن جلسه ادله و استدلالاتی ارائه و متعاقباً "بدرخواست دیوان اظهاریه‌های بعد از جلسه استماع را در دیوان ثبت نمودند.

داور منصوب جمهوری اسلامی ایران در دیوان بعد از جلسه استماع مستعفی و عضو جدیدی بعنوان داور منصوب گردید و دیوان دآوری طبق ماده ۱۴ قواعد خود تصمیم گرفت جلسه استماع قبلی را تکرار نکند. مضافاً "داور منصوب ایالات متحده که بعد از جلسه استماع این پرونده استعفا داده بود، طبق قواعد دیوان در این حکم شرکت نموده است.

۲ - واقعیات و اظهارات

شرینگ در زمینه تولید و فروش محصولات داروئی در ایالات متحده فعالیت دارد و در سراسر جهان بفروش محصولات داروئی و دادن امتیاز تولید این محصولات سرگرم و در بسیاری از کشورها صاحب شرکتهای داروئی میباشد.

شرینگ در مورد وضعیت و سازمان کار خود مطالب زیر را عنوان نموده است: شرینگ یک شرکت امریکائی شرکت تابعه و کاملاً متعلق به شرینگ پلاو کورپوریشن ("شرینگ پلاو") میباشد. شرینگ صاحب کلیه سهام سرمایه‌های شریکولیمیتد ("شریکو") یک شرکت سویسی بوده که بنوبه خود صاحب کلیه سهام سرمایه اسکس شمی آ.گ. ("اسکس") شرکت سویسی دیگر میباشد. شریکونیز صاحب ۶۹۹۶ سهم از ۷۰۰۰ سهم سرمایه شرکت سهامی

شرینگ (ایران) ("شرینگ ایران") که یک شرکت ایرانی است بوده و چهار سهم باقیمانده متعلق و بنام اسکس و مقامات اجرائی ارشد شرکتهای شرینگ است. شرینگ کورپوریشن (پورتوریکو) ("شرینگ پورتوریکو") یک شرکت آمریکائی و تابعه کاملاً متعلق به شرینگ پلاو بوده و سهام سرمایه‌های شرینگ پلاو بطور گسترده در دست افراد بوده و بطور عام دادوستد می‌شود.

خواهان اظهار میدارد که شرینگ ایران را بمنظور اشتغال به تجارت محصولات داروئی شرینگ در ایران تاسیس نمود. شرکت فیروز ("فیروز") که یک شرکت ایرانی است بموجب یک قرارداد توزیع، محصولات را از شرینگ ایران بطور نسبی خریداری می‌کرد. بنا به اظهار خواهان، شرینگ ایران، محصولات داروئی و مواد خام را از شرکتهای دیگر وابسته به شرینگ خریداری و بهای آنها را به دلار آمریکا یا فرانک سویس پرداخت مینمود. شرینگ ایران بموجب قرارداد و اگذاری علامت تجاری سال ۱۹۶۸ منظمًا "به شرینگ حق الامتیاز را به دلار آمریکا و به سهامداران خود سود سهام را به ارز پرداخت مینمود.

خواهان اظهار میدارد که شرینگ در سال ۱۹۷۶ و ام پنج ساله‌ای به مبلغ ۱/۱ میلیون دلار آمریکا در اختیار شرینگ ایران قرارداد داد. بموجب قرارداد دوام قرار بود شرینگ ایران تا ماه مارس ۱۹۸۱ که تاریخ سر رسید استرداد دوام بوده هرشش ماه بهره متعلقه را بپردازد. طبق اظهار خواهان، شرینگ ایران تا مارس ۱۹۷۹ منظمًا "پرداختهای بابت بهره را به دلار آمریکا بعمل می‌آورد.

خواهان اظهار میکند که بانک مرکزی ایران در نوامبر ۱۹۷۹ از صدور اجازه پرداخت برخی براتهای شرینگ که بایده شرینگ پلاو و اسکس به دلار پرداخت میشد امتناع کرد.

خواهان اظهار میدارد که در ۱۹۷۹ بعد از انقلاب ایران در ادارات و کارخانه‌های ایران شوراهای کارکنان تاسیس شد و چنین شورائی نیز در اکتبر ۱۹۷۹ در شرینگ ایران تشکیل شد. طبق اظهار خواهان، شورای کارکنان از ژانویه ۱۹۸۰ کنترل مالی شرینگ ایران را بدست گرفت و مانع پرداخت بدهی‌های آن به شرکتهای تابعه شرینگ گردید.

بنا بر اظهار خواهان شرینگ ایران در نتیجه اقداماتی که حسب ادعا بانک مرکزی و شورای کارکنان بعمل آوردند، مبالغ مشروح زیر را که هنوز هم تادیه نشده نپرداخته است: (الف) ۶،۳۰۵،۱۶۱/۸۹ دلار آمریکا و ۷،۸۸۲،۸۶۴/۱۱ فرانک سویس یا جمعاً " مبلغ ۱۰،۸۱۱،۳۱۰/۳۳ دلار آمریکا (ب) مبلغ ۴،۵۷۲،۱۰۰/۵۱ دلار آمریکا

به شرینگ و پلاوا اینترنتی نشانال دیویژن آن بابت خرید محصولات دارویی، (ج) مبلغ ۹۱۲،۳۵۶/۵۰ دلار آمریکا و ۱،۱۵۹،۵۸۴/۱۰ فرانک سویس یا جمعاً " مبلغ (د) ۱،۵۲۰،۸۱۶/۶۹ دلار آمریکا به شرینگ پورتوریگو بابت خرید محصولات دارویی، (ه) مبلغ ۲۳۸،۲۹۷/۱۶ دلار آمریکا به شرینگ بابت حق امتیاز (و) مبلغ ۶۹،۰۰۰ دلار به اسکس بابت سود سهام و (و) مبلغ ۱،۸۵۴،۳۲۸/۸۳ به شریگو بابت اصل و بهره وام فوق الذکر.

خواهان بموجب ادعای اول خود وصول این دیون را که جمعاً " ۱۹،۰۶۵،۸۵۴/۰۲ دلار آمریکا میباشد، مطالبه میکند.

خواهان در ادعای دوم خود اظهار میدارد که دولت ایران توسط و از طریق شورای کارکنان مبلغ ۸۰ میلیون ریال پول شرینگ ایران را صادره نموده که ارزش آن در زمان صادره معادل ۱،۱۳۵،۱۵۴/۳۰ دلار آمریکا بود. خواهان خواستار خسارتی به مبلغ مذکور است.

خواهان در ادعای سوم خود اظهار میدارد که بنیاد مستضعفان کنترل فیروز، توزیع کننده محصولات شرینگ ایران را بدست گرفت و فیروز مبلغ ۵،۳۶۷،۰۰۰ دلار دیون خود را بابت داروهای دریافتی تادیه نکرد. خواهان اظهار میدارد که بنیاد مستضعفان یک واحد تحت کنترل دولت ایران میباشد که از طرف دولت عمل نموده است.

خواهان همچنین بهره اصل مطالبه میکند.

خواننده بدلائل مختلف به صلاحیت دیوان دآوری ایراد دارد و ادعا میکند که ادعاهای شرینگ ایران قابل رسیدگی نیست، زیرا شرینگ ایران یک شرکت ایرانی است و طبق قوانین ایران رسیدگی به آن ادعاها باید در ایران بعمل آید. خواننده مضافاً اظهار میکند که دیوان فاقد صلاحیت رسیدگی به ادعای احتمالی شرینگ پورتوریگو بوده زیرا آن شرکت تابعیت آمریکائی ندارد.

خواننده در مورد ادعای اول مسئولیت خود را انکار و استدلال میکند که بانک مرکزی فقط از انتقال قسمتی از دیون خودداری نموده و آن اقدامی قانونی بود. خواننده همچنین استدلال میکند که شورای کارکنان شرینگ ایران مانع اداره یا مدیریت آن شرکت نگردیده و در هر صورت مسئول اقدامات شورای کارکنان نمیشود.

در مورد دعای دوم خواننده به این دلیل که مسئول اقدامات شورای کارکنان نمیباشد از خود سلب مسئولیت میکند .

در مورد دعای سوم خواننده اظهار میدارد که دیوان صلاحیت رسیدگی به آنرا ندارد زیرا (الف) طبق اظهار خواننده اختلافات بین شرینگ ایران و فیروز طبق قرارداد توزیع منعقد شده بین دوشرکت مشمول صلاحیت انحصاری دادگاههای ایران میشود و (ب) ادعای تاریخ ۱۹ ژانویه ۱۹۸۱ (۲۹ دیماه ۱۳۵۹) که بند ۱ ماده ۲ بیانیه حل و فصل دعاوی مقرر میدارد، پابرجا نبوده است . خواننده مسئولیت را انکار و استدلال میکند که مسئول اعمال بنیاد مستضعفان نبوده و در حال حاضر هیچگونه بدهی تادیه نشده باقی نیست .

هر دو طرف هزینه های داورى خود را مطالبه میکنند .

۳ - صلاحیت

مدارک تسلیمی نشان میدهد که خواهان شرینگ در کلیه اوقات مربوطه یک شرکت امریکائی تابع و کاملاً متعلق به شرکت امریکائی دیگر شرینگ پلاو بوده است . بموجب یک بررسی انجام شده ۱۱/۱ درصد سهام سرمایه موجود شرینگ متعلق به اتباع غیر امریکائی بوده و حداقل ۹۹ درصد سهام عادی موجود شرینگ پلاو در دست سهامدارانی است که نشانیهای خود را در ایالات متحده اعلام کرده اند . در وکالتنامه های تفویض حق رای شرینگ پلاو قریبهای وجود ندارد که شخصی بیش از ۵ درصد سهام در دست مبادله آنرا در دست داشته باشد . مدارک موجود گواهی بر اینست که شرینگ کورپوریشن در کلیه اوقات مربوطه صاحب کلیه سهام شرکتهای سویسی شریکو و اسکس و شریکو صاحب کلیه سهام شرینگ ایران بوده است .

دیوان از مراتب پیش گفته نتیجه میگیرد تا حدودی که موضوع مربوط به تابعیت خواهان است صلاحیت رسیدگی به ادعاهای خواهان را دارد و ادعاهای ناشی از معاملات با شرینگ یا با شرکتهای خارجی تابعه آن، شریکو و اسکس بموجب بند ۲ ماده هفت بیانیه حل و فصل دعاوی، ادعاهای اتباع امریکا و مشمول صلاحیت دیوان میباشد .

اولین ادعا از سه ادعای مذکور قسمتی مبتنی بر ادعای شرینگ پورتوریکواست که بقیه شرکت امریکائی کا ملا" متعلق به شرینگ پلاومیا باشد. یک سوال در مورد صلاحیت وجود دارد (اثر انتقال ادعائی)، و آن اینکه آیا بموجب بیانیه حل و فصل دعوی خواهان حق اقامه این قسمت از ادعا را دارد یا خیر؟ با توجه به نظرات زیر در مورد ماهیت ادعای اول، دیوان ضرورتی جهت پرداختن به این موضوع نمی یابد.

ادعای سوم خواهان علیه ایران مبتنی بر ادعای شرکت ایرانی شرینگ ایران است که بطور غیر مستقیم متعلق به خواهان میباشد و ادعا بابت وجوهی است که فیروز و شرکت ایرانی دیگر که حساب ادعا از طریق بنیاد مستضعفان تحت کنترل دولت ایران میباشد بدهکار است. خواننده از جمله اظهار میدارد که دیوان صلاحیت رسیدگی به ادعای سوم را ندارد زیرا بیانیه های الجزیره به دیوان صلاحیت رسیدگی به دعوی شرکتهای ایرانی علیه دولت خود را تفویض نکرده و تفسیر صحیح بند ۲ ماده هفت بیانیه حل و فصل دعوی الزاما " به این نتیجه می انجا مد که چنین ادعاهائی از ادعاهای غیر مستقیمی که یک تبعه امریکا میتواند بموجب مفاد بند مذکور در دیوان داوری مطرح کند مستثنی میباشد.

دیوان داوری با توجه به نظرات خود در قسمت ۶ حکم، پرداختن به موضوع صلاحیت در پرونده حاضر را غیر ضروری میدانند.

خواننده همچنین به "قید انتخاب مرجع رسیدگی" ادعائی موضوع ماده ۱۰ قرارداد توزیع منعقد بین شرینگ ایران و فیروز استناد میکند که ظاهرا " این ادعا را از شمول صلاحیت دیوان مستثنی میدارد. ولی شرط مورد اشاره قید قانون حاکم است نه قید انتخاب مرجع رسیدگی که بتواند طبق اظهار خواننده صلاحیت دیوان را سلب کند.

در قسمت ۶ حکم به موضوع دیگری که در مورد صلاحیت باقیست، یعنی اینکه آیا ادعای سوم در تاریخ ۱۹ ژانویه ۱۹۸۱ (۲۹ دیماه ۱۳۵۹) پا برجا بوده یا خیر می پردازیم.

۴ - ادعای اول

خواهان مبالغی را مطالبه میکند که شرینگ ایران حسب ادعا به خواهان و برخی از شرکتهای تابعه خواهان بابت محصولات داروئی خریداری شده، حق امتیاز، سود سهام و بهره واصل

وام بانکی بدهکار است . کل مبلغ ادعا ۱۹,۰۶۵,۸۵۴/۰۲ دلار آمریکا میباشد .

خواهان اظهار میدارد که خواننده اینک حداقل مسئول پاره‌ای از دیون بین شرکتی است که حسب ادعا بانک مرکزی برخلاف قانون از انتقال وجوه این دیون توسط شرینگ ایران امتناع کرده است .

خواهان مضافاً " اظهار میکند که خواننده بدلیل آنکه اقدامات شورای کارکنان مانع پرداخت دیون شده مسئول قسمت باقیمانده دیون میباشد .

خواننده مسئولیت خود را در هر دو مورد انکار میکند ولی بحثی ندارد که شرینگ ایران به شرینگ و شرکتهای تابعه آن تقریباً " به میزانی که ادعا شده بدهکار است .

(الف) مسئله ممانعت بانک مرکزی از پرداخت دیون

اسناد و مدارک نشان میدهد که بانک مرکزی در تاریخ ۹ نوامبر ۱۹۷۹ (۱۸ آبانماه ۱۳۵۸) به بانک تجارت خارجی دستور داد برات ۳۰۷,۸۵۹/۰۱ دلاری (شماره ۲۴۴۳۵) شرینگ پلاوا اینترنشنال دیویژن و برات ۱۰۰,۵۹۳/۳۶ دلاری (شماره ۲۴۸۶۱) اسکس را که هر دو بابت مقادیر تحویل شده آنتی بیوتیک به شرینگ ایران کشیده شده بود، پرداخت ننماید. ظاهراً " به این دلیل که حمل آنها بیش از دو سال قبل صورت گرفته و بنا بر این امکان اینکه قبل از به اجراء درآمدن برخی از مقررات ارزی بانک مرکزی در ۱۹۷۸ و ۱۹۷۹ پرداختهای آن صورت گرفته باشد، وجود داشته است .

خواهان استدلال میکند بانک مرکزی با ندادن اجازه پرداخت براتها برخلاف قوانین ایران، عهدنامه مودت، روابط اقتصادی و حقوق کنسولی ۱۵ اوت ۱۹۵۵ (۱۰ مردادماه ۱۳۳۴) بین ایالات متحده آمریکا و ایران و موافقتنامه صندوق بین المللی پول و اصول کلی حقوق بین الملل عمل کرده است .

خواننده اظهار میکند که عدم تصویب پرداخت براتهای شماره ۲۴۴۳۵ و ۲۴۸۶۱ در تاریخ ۹ نوامبر ۱۹۷۹ (۱۸ آبانماه ۱۳۵۸) توسط بانک مرکزی صرفاً " بمنظور حصول اطمینان از این امر بوده که وجوه این براتها قبل از اعمال محدودیت های ارزی به خارج منتقل نشده باشد . خواننده اضافه مینماید چنانچه خواهان وجوه آن براتها را دریافت نکرده

میتواند اجازه انتقال آنها را با ارائه گواهی وزارت دارائی در مورد محل اقامت شرکت فروشنده مبنی بر عدم پرداخت براتها کسب نماید.

خواننده همچنین ادعا می کند و در تائید این ادعا مدارکی ارائه می دهد. دال بر آنکه بعد از انقلاب ایران، بانک مرکزی در چندین مورد از جمله در اوت و سپتامبر ۱۹۷۹ و ژوئیه ۱۹۸۰ اجازه انتقال پرداختهای شرینگ ایران را صادر نموده است.

دیوان مدرکی در دست ندارد که نشان دهد در نوامبر ۱۹۷۹ (آبان ماه ۱۳۵۸) در قوانین ایران مقرراتی وجود داشت که به بانک مرکزی اجازه دهد از پرداخت بابت اجناس وارداتی به ارز به دلیل که تحویل بیش از دو سال قبل صورت گرفته است متناع کند. پرداختهای مربوط به تحویل هائی که با تاریخهای مشابه طبق اظهارات بانک مرکزی در چندین مورد در نیمه آخر سال ۱۹۷۹ صورت گرفته بود، این نتیجه گیری را تائید میکند. با توجه به این امر دیوان باید نتیجه بگیرد که متناع بانک مرکزی از دادن اجازه پرداخت دوبرات مطابق با قوانین جاری کشور ایران نبود. ^(۱) خواننده مسلماً "مسئول اعمال بانک مرکزی در این مورد میباشد. در نتیجه دیوان معتقد است که خواهان اینک استحقاق دارد مبلغ دوبرات مورد اختلاف یعنی ۴۰۸,۴۵۲/۳۷ دلار آمریکا را دریافت نماید. خواهان همچنین استحقاق دریافت بهره این مبلغ را به نرخ عادلانه ۱۰٪ از اول دسامبر ۱۹۷۹ (۱۰ آذر ماه ۱۳۵۸) دارد.

خواهان علاوه بر دوبراتی که اینک مورد رسیدگی قرار گرفت اظهار میدارد بانک مرکزی چندین برات دیگر شرینگ پلاو دیویژن را حداقل بمبلغ ۱,۱۹۵,۶۵۷/۷۰ دلار آمریکا که تماماً "حساب ادعا مربوط به خرید مواد خام از اسکس و شرینگ پلاو دیویژن بوده، رد نموده است. خواننده دریافت چنین درخواستی را توسط بانک مرکزی مبنی بر صدور اجازه پرداخت مبلغ براتها انکار می کند. خواهان برای تائید اظهارات خود در مورد این براتها به شهادت نامه آقای براونینگ ذی حساب وقت شرینگ ایران و دو یادداشت داخلی شرکت مورخ ۱۰ و ۱۴ دسامبر ۱۹۷۹ (۱۹ و ۲۳ آذر ماه ۱۳۵۸) به امضای آقای براونینگ و یک نمودار پرداختهای بین شرکتی که توسط آقای براونینگ ترسیم شده استناد میکند.

(۱) مدرکی وجود ندارد که بانک مرکزی در مقاطع مربوطه زمانی امتناع از پرداخت را مبتنی بر مقررات ارزی موجود در آن تاریخ دانسته باشد. بنابراین، در این مقوله نیازی به بررسی اشران مقررات نیست.

معهدا ، نه درخواستهای اجازه و نه هیچیک از مکاتبات بانک یا اسناد مشابهی کسه نمایانگر تصمیمات ادعائی متخذه توسط بانک مرکزی در مورد براتهای دیگر باشد ارائه نشده است . از اینرو دیوان مدارکی که جهت درخواست صدور اجازه انتقال پرداختها به بانک تسلیم گردیده ولی بانک به آنها ترتیب اثر نداده یا آنها را رد کرده روشن نمیداند چه رسد به آنکه دلیل رد آن درخواستها را بداند . بنا بر این باید نتیجه گرفت که دلیل کافی وجود ندارد که دولت ایران را مسئول فعل یا ترک فعل بانک مرکزی در مورد دیون بین شرکتی که هم اکنون مورد بحث واقع شد دانست .

خواهان ادعا نمیکند که بانک مرکزی از پرداخت هیچ قسمت دیگری از دیون بین شرکتی که موضوع این ادعا میباشد امتناع کرده است . در واقع بنظر میرسد که چنین پرداختهای درخواست نشده بود . بنا بر این دیوان معتقد است که خواننده را نمیتوان مسئول فعل بانک مرکزی در مورد قسمت باقیمانده ا قلام قابل وصول که در ادعای اول مطالبه شده دانست

ب - شورای کارکنان

شواهد نشان میدهد که مذاکرات مورخ ۲۰ ژانویه ۱۹۸۰ (۳۰ دیماه ۱۳۵۸) شرینگ ایران و شورای کارکنان آن شرکت منتج به موافقتنامه ای شد که طی آن از جمله شرط شده بود که مانده نقدی حساب شرینگ ایران در تاریخ ۳۱ دسامبر ۱۹۷۹ (۱۰ دیماه ۱۳۵۸) برای خرید مواد شیمیائی و محصولات آماده و تکمیل شده از شرکتهای وابسته به شرینگ ایران مصرف شود . و پرداختهای که بایده شرکتهای وابسته بابت موجودی جنسی در تاریخ ۳۱ دسامبر ۱۹۷۹ (۱۰ دیماه ۱۳۵۸) بعمل آید ، مانده بقیه ا قلام موکول به تکمیل خرید مواد شیمیائی و محصولات آماده باشد .

موافقتنامه ۲۰ ژانویه ۱۹۸۰ همچنین شرط میکرد :

" موافقت میشود که تا ۳۱ دسامبر ۱۹۸۰ (۱۰ دیماه ۱۳۵۹) همه پرداختهای شرکت شرینگ ایران به کمپانیهای وابسته مستلزم سه امضاء باشد که دوتای آن توسط هیئت مدیره شرینگ تعیین خواهد شد و یک امضاء از یک گروه دونفره خواهد بود که شورای کارکنان از بین اعضای خود انتخاب خواهد کرد ."

میتوان نتیجه گرفت که موافقتنامه نفوذکنترل کننده شورای کارکنان را برپرداخت دیون بین شرکتی موضوع ادعای اول تضمین میکرد.

خواهان همچنین این ادعای خود را بر این تئوری استوار کرده است که موافقتنامه ۲۵ ژانویه ۱۹۸۰ (۱۰ دیماه ۱۳۵۸) فاقد اعتبار است، زیرا مدیرعامل شرینگ ایران آقای کاپور موافقتنامه را از طرف شرکت تحت شرایط اجبار و اکراه امضا کرده بود. طبق اظهار خواهان، در عمل موافقتنامه خواهان را از حقوق قراردادی و مالکانه خود نسبت به پرداختهای شرینگ ایران محروم کرده است. خواهان مضافاً اظهار میدارد که خواننده مسئول اعمال شورای کارکنان است زیرا (الف) شورا واحدی تحت کنترل ایران است و از طرف دولت عمل کرده است و (ب) در هر صورت خواننده در حمایت از خواهان در مقابل مداخله شورا که طبق عهدنامه مودت و اصول کلی حقوق بینالملل متعهد به اعمال چنین حمایتی بوده، قصور ورزیده است.

دیوان داوری ابتداءً به این موضوع میپردازد که آیا خواهان مسئول اعمال شورای کارکنان میباشد یا خیر. در این مورد هر دو طرف استدلالات مشروحی ارائه داده اند.

اصل ۱۰۴ قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در مورد تشکیل شوراهای کارگری در ایران بشرح زیر است:

"بمنظورتأمین قسط اسلامی و همکاری در تهیه برنامها و ایجاد هماهنگی در پیشرفت امور در واحدهای تولیدی، کشاورزی، شوراهای مرکب از نمایندگان کارگران و دهقانان و دیگر کارکنان و مدیران و در واحدهای آموزشی، اداری، خدماتی و مانند اینها شوراهای مرکب از اعضاء این واحدها تشکیل میشود.

چگونگی تشکیل این شوراها و حدود وظایف و اختیارات آنها را قانون تعیین میکند.

هیئت وزیران ایران در اکتبر ۱۹۷۹ مقررات مربوط به تشکیل شوراهای کارکنان موسسات بخشهای خصوصی و دولتی را تصویب نمود. در مقدمه این مقررات، تشکیل این گونه شوراها "در صورت آمادگی مدیریت یا کارگران برای پیشبرد اهداف جمهوری اسلامی مفید" اعلام شده است. در مقدمه این مقررات آمده است:

"جمهوری اسلامی ایران شورای کارکنان هر موسسه و مدیریت
آنرا از یکدیگر جدا نمیداند و معتقد است که منافع کارکنان با
منافع موسسه و منافع موسسه با منافع کشور و مردم در یک جهت است
و اصول زیر را برای تشکیل شوراها توصیه مینماید. این شوراها

در چهار چوب قوانین مملکت و مقررات مربوطه فعالیت می کنند. (تا کید اضافه شده است)
بموجب ماده ۱ مقررات مذکور "هدف از تشکیل شوراها ایجاد تفاهم و همکاری بیشتر
بین کارکنان و مدیریت در جهت پیشرفت رضایت بخش کارکنان و موسسه، برای
خدمت هر چه بیشتر به جا مع با رعایت حقوق حق کارکنان میباشد."
ماده ۲ حاوی شرایط متعددی از نظر دو هیئت اصلی شوراها و کارکنان یعنی مجمع
عمومی (مشمول بر کلیه کارکنان شاغل هر موسسه. بند ۱ ماده ۲) و شورای هماهنگی
(که اعضای آنرا مجمع عمومی انتخاب میکند. بند ۴ ماده ۲) میباشد.

(۲)
قوانین و مقررات مربوط به ایجاد شوراها و کارکنان مشخص نمی سازند که قرار بود
شوراها وظایفی غیر از منافع کارگران در مقابل مدیریت شرکتها و موسسات و همکاری
با مدیریت بعهده گیرند. اینکه تشکیل شوراها به ابتکار دولت صورت گرفت، به این
مفهوم نیست که قرار بود شوراها بعنوان بخشی از دستگاههای دولت عمل کنند.

مضافاً "قطع نظر از آنچه که اینک گفته شد مدرکی در این پرونده وجود ندارد که شورای
کارگران در واقع از طرف دولت ایران یا یکی از سازمانها یا واحدهای آن عمل کرده
باشد و در انتخاب اعضای شورا هیچگونه اعمال نفوذی از طرف دولت شده یا دستور، دستور-
العمل یا توصیه‌هایی به شورا صادر شده یا شورا بموجب دستوریک مقام دولتی عمل کرده باشد."
(۳)

(۲) دیوان متذکر میشود که علاوه بر قانونی که قبلاً ذکر شد در ۳۰ ژوئن ۱۹۸۰ (۹ تیرماه
۱۳۵۹) قانونی در مورد شوراها و کارکنان "واحدهای تولیدی، صنعتی، کشاورزی و
خدماتی" بتصویب رسید. آئین نامه‌های مربوطه در ۳۱ ژوئیه ۱۹۸۰ (۹ مردادماه
۱۳۵۹) وضع گردید. این قانون از جمله شرکت یک نماینده دولتی را در "هیئت
نظارت بر امور شورا" مقرر میدارد. هیچیک از طرفین در دفاعیات خود در پرونده
حاضر به این قانون استناد نکرده‌اند.

(۳) خواهان در این رابطه اهمیت خاصی برای نامه مورخ ۷ ژوئیه ۱۹۸۱ (۱۶ تیرماه ۱۳۶۰)
شرینگ ایران به کمیته دعوی نخست وزیری قائل است که ضمن آن از جمله تراژ نامه
شرکت را تا تاریخ ۳۱ دسامبر ۱۹۸۰ (۱۰ دیماه ۱۳۶۰) ارسال داشته است. نامه
حاوی اظهار نظرهای زیر در مورد معامله ۸۰ میلیون ریال میباشد: "بمنظور اجرای
خواسته‌های مشروع کارمندان شرکت شامل محدود نمودن مدیران خارجی در وارد کردن داروهای

نظربه مراتب پیش گفته دیوان باید نتیجه بگیرد که دلیلی برای اینکه شورای کارکنان شرینگ ایران از طرف خواننده عمل کرده باشد وجود ندارد.

ادعا نشده که خواهان یا شرینگ ایران از خواننده درخواست کرده باشند برای حفظ منافع و حقوق شرینگ ایران در مقابل خساراتی که از اعمال شورای کارکنان به آن وارد میشود، بطریقی مداخله کند. دیوان دلیلی نمی یابد که خواننده را طبق یکی از قواعد حقوق بین الملل متعهد بدانند که راسا "چنین تدابیر حمایتی معمول دارد.

نظربه نتیجه گیری های فوق دیوان نمیتواند خواننده را مسئول عمل شورای کارکنان شرینگ ایران بداند.

دیوان بعد از اتخاذ این رای بحث در مورد این مسئله که آیا موافقتنامه ۲۰ ژانویه ۱۹۸۰ که هیئت مدیره شرینگ ایران هرگز آن را رد نکرده، تحت شرایط اجبار واکراه به امضای مدیرعامل شرینگ رسیده یا خیر ضروری نمیداند.

۵ - ادعای دوم

ادعای دوم از مصادره ادعائی ۸۰ میلیون ریال دارائی شرینگ ایران ناشی میشود. دیوان داوری بموجب بند ۱ ماده دویسیا نیه حل و فصل دعوی صلاحیت رسیدگی به این ادعا را دارد.

چون دیوان قبلا "نظر داد که خواننده مسئول اعمال شورای کارکنان نمیشد، بنابراین این هر نوع مداخله شورای کارکنان در دارائیهای شرینگ ایران بمثابه مصادره آن

بقیه پا ورقی (۲)

پایه که کمبود شدید آنها در سرا سر کشور مشهود است و پرداخت احتمالی حق (خسارت) انفصال خدمت به کارمندان در ژانویه ۱۹۸۰ (دی - بهمن ۱۳۵۹) به پیشنهاد شورای کارکنان و تصویب مجمع عمومی کارگران و موافقت مدیران ایرانی با حق امضاء مبلغ ۸۰ میلیون ریال وجوه نقدی شرکت از بانکه برداشت و در حساب بانکی جداگانه ای بنام تعدادی از اعضاء شورای مذکور تودیع شد. مبلغ مذکور تا کنون دست نخورده باقی است و در تراژنامه بعنوان تعهد مقدم یا مرجح شرینگ ایران به کارمندان خود منعکس است". ولی این نامه فقط مقاصد اصلی شورای کارکنان را در اقدامات ژانویه ۱۹۸۰ بیان میکند و نمیرساند که دولت بطریقی مسئول این اعمال بود.

(۴) دارائیهات توسط خواننده نمیباشد. بنا براین ادعای دوم باید مردود شناخته شود.

۶ - ادعای سوم

بحثی نیست که شرینگ ایران بموجب موافقتنامه توزیع ۱۹۷۷ به فیروز توزیع کننده خود محصولات داروئی تحویل داده است و فیروز بعد از وصول اجناس سفته هائی صادر نموده و تا ماه مه ۱۹۷۹ فیروز به شرینگ ایران تقریباً " معادل ۹/۵ میلیون دلار به ریال به استناد سفته ها بابت محصولات تحویلی بدهکار بوده است. و نیز بحثی نیست که در حوالی مه ۱۹۷۹ بنیاد مستضعفان کنترل فیروز را در دست گرفت.

مدیرعامل شرینگ ایران در تاریخ ۷ ژوئیه ۱۹۷۹ (۱۶ تیرماه ۱۳۵۸) بانمایندگان فیروز و بنیاد مستضعفان در مورد روابط تجاری آینده بین شرینگ ایران و فیروز مذاکراتی بعمل آوردند. یادداشت های امضاء شده این مذاکرات نشان میدهد که شرینگ ایران موافقت نمود فیروز بعنوان توزیع کننده محصولات آن بکار خود ادامه دهد و مهلت پرداخت دیون فیروز را تا ۷ ژوئیه ۱۹۷۹ (۱۶ تیرماه ۱۳۵۸) (که بعنوان دیون معوقه ذکر شده بود) به این شرط که بنیاد مستضعفان و فیروز توافق کنند طبق یک برنامهدا که در دو ساله این دیون را بپردازند تمدید نماید " دیون معوقه شامل خریدهای سالهای ۱۹۷۷ / ۱۹۷۸ بود که سفته های صادره قبلی مدرک آنهاست. نامه بدون تاریخی که بنیاد مستضعفان متعاقباً " به شرینگ ایران نوشته از این قرار است :

(نقل بمضمون)

"نظریه اینکه شرکت سهامی فیروز زیر نظر بنیاد مستضعفان قرار گرفته، این بنیاد بدین وسیله تعهد میکند دیون معوقه شرکت سهامی فیروز را طبق اسناد مسلمه و توافق طرفین در مورد پرداخت بپردازد. توضیحا " این تعهد فقط بشرط ادامه قرارداد بین شرکت شرینگ و فیروز معتبر خواهد بود."

(۴) دیوان توجه میدهد که در اظهاریه مورخ ۱۳ مه ۱۹۸۳ (۲۳ اردیبهشت ماه ۱۳۶۲) که ظاهراً " به امضای دونفر از صاحبان امضاء ایرانی شرینگ ایران است ذکر شده مبلغ ۸۰ میلیون ریال در ۱۹ آوریل ۱۹۸۳ (۳۰ فروردین ماه ۱۳۶۲) از حساب شورای کارکنان دربانک ملی به حساب شرکت دربانک ملت منتقل شده است و تعدادی مدارک مستند نیز در این مورد پیوست شده است.

خواهان اظهار میکند فیروز تقریباً " دیون معوقه را طبق جدول توافق شده در مورد پرداخت با شرینگ ایران تا فوریه ۱۹۸۰ پرداخت نموده ولی بعد از آن تاریخ نه بنیاد و نه فیروز هیچیک "دیون معوقه" را پرداخت نکردند. خواهان اینک مانده پرداخت نشده یعنی ۵,۳۶۷,۰۰۰ دلار را مطالبه میکند. خواننده بحثی ندارد که این مبلغ را بدهکار است.

خواننده از جمله اظهار میکند که تاریخ سررسید سفته ها گواهی نیست که سفته ها بعداً " تا تاریخی بعد از ۱۹ ژانویه ۱۹۸۱ تمدید شد و در نتیجه ادعا قبل از آن تاریخ پابرجا نبود که دیوان صلاحیت رسیدگی به آن ادعا را داشته باشد.

خواهان قبول دارد که با تمدید مهلت های مذکور موافقت کرده زیرا فیروز طبق گزارش واضل و وجه کافی برای پرداخت سفته ها نداشت و " راه حل عملی دیگری وجود نداشت " اما معتقد است که ... بر مبنای نقض ادعای تعهدات پرداخت بنیاد مستضعفان هم بموجب موافقت نامه ۷ ژوئیه ۱۹۷۹ (۱۶ تیرماه ۱۳۵۸) و هم بموجب نامه فوق الذکر بعدی به شرینگ ایران، استحقاق دارد این مطالبات را وصول نماید.

شق دیگر استدلال خواهان اینست که بنیاد و فیروز هر دو با تصور خود در فوریه ۱۹۸۰ در مورد پرداخت دیون معوقه موافقت نامه ۷ ژوئیه ۱۹۷۹ (۱۶ تیرماه ۱۳۵۸) را نقض کرده اند، در نتیجه به استدلال خواهان ادعای شرینگ ایران بخاطر نقض قرارداد از طرف بنیاد و فیروز از آن تاریخ " ادعای پابرجا " بوده است. این واقعیت که شرینگ ایران موافقت کرد " برخی سفته های ۱۹۷۸ فیروز را تا بعد از ۱۹ ژانویه ۱۹۸۱ تمدید کند، ادعای شرینگ علیه فیروز را با بت طلب موضوعه از بین نمی برد یا به آن لطمه ای
(۵)
نمیزند."

دیوان معتقد است که خواهان با موافقت با تمدید مذکور حق هراقدامی علیه فیروز را برای وصول طلب مبتنی بر سفته ها تا قبل از تاریخهای سررسید تمدید شده از خود سلب

(۵) اصطلاح " برای سفته های ۱۹۷۸ " که خواهان در این مضمون بکار میبرد قدری مبهم است ولی از مدارک تسلیمی خواهان از جمله شهادت های ها میلتن و کا پورباید قبول کرد که تمام سفته های مربوط به قسمت باقی مانده بدهی که در فوریه ۱۹۸۰ پابرجا و برعهده بوده و تحت ادعای سوم این قسمت از دیون مطالبه شده تا تاریخهای بعد از ۱۹ ژانویه ۱۹۸۱ (۲۹ دیماه ۱۳۵۹) تمدید شد.

کرده است. (۶)

این اصل حقوقی مورد قبول همگان است که وقتی سفته‌ای بابت تعهدی داده می‌شود تا بنحودیگری موافقت نشود تعهد حداقل تا تاریخ سررسید سفته بحال تعلیق درمی‌آید و سفته برای تضمین اجرای تعهد گرفته می‌شود. در مورد حاضر سفته‌ها مکرراً "تاریخهایی بعد از ۱۹ ژانویه ۱۹۸۱ (۲۹ دیماه ۱۳۵۹) تمدید شده، در واقع، ادعا نشده که تا امروز نیز سررسید آنها فرارسیده باشد. بدین ترتیب دیوان نتیجه می‌گیرد که ادعاها در تاریخ بیانیه حل و فصل دعاوی پابرجا نبوده است.

بنابه مراتب پیش گفته دیوان معتقد است که چون ادعای حاضر طبق الزام بند ۱ ماده دو بیانیه حل و فصل دعاوی در تاریخ ۱۹ ژانویه ۱۹۸۱ پابرجا نبوده است باید مردود شناخته شود.

مضافاً "بنیاد مستضعفان تا حدودی که تضمین پرداخت تعهد را بعد از تاریخ تمدید سفته‌ها کرده بعنوان ضامن مسئول شناخته نمی‌شود زیرا متعهد اصلی مسئول شناخته نشده است. بدلیل مذکور دیوان نباید تصمیم بگیرد که آیا خواننده مسئول اعمال بنیاد می‌باشد یا خیر.

۷ - هزینه‌های داوری

نظربه شرایط پرونده دیوان داوری مقرر می‌دارد که هر طرف مسئول پرداخت هزینه‌های داوری خود باشد.

(۶) شعبه یک دیوان داوری در پرونده جی آی کیس کامپنی علیه جمهوری اسلامی ایران و دیگران (حکم شماره ۱ - ۲۴۴ - ۲۵۷) در مورد مسئله مشابهی تصمیم گرفت و نظر داد که "یک قسط از مطالبات مورد ادعای کیس طبق صورت حساب بئی ۶۶۷۲۲ تا ۲۰ مارس ۱۹۸۱ (۳۰ اسفندماه ۱۳۵۹) با توافق کیس تمدید شده بود. چون تا بعد از ۱۹ ژانویه ۱۹۸۱ (۲۹ دیماه ۱۳۵۹) کیس نمیتوانست ادعای وصول آنرا بکنند این قسمت از ادعا بمفهوم بند ۱ ماده ۲ بیانیه حل و فصل دعاوی در آن تاریخ "پابرجا" نبود و بنابراین دیوان صلاحیت رسیدگی به آنرا ندارد".

۸ - حکم

بدینوسیله دیوان داوری بشرح زیرحکم صادر مینماید:

ادعاهای دوم و سوم مردود شناخته میشود.

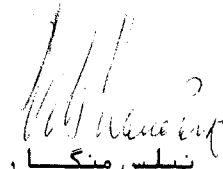
خواننده، جمهوری اسلامی ایران ب موجب ادعای اول متعهد است به خواهان شرینگ کورپوریشن مبلغ چهار صد و هشت هزار و چهار صد و پنجاه و دو دلار و سی و هفت سنت آمریکا (۴۰۸,۴۵۲/۳۷ دلار) بعلاوه بهره ساده آن بمیزان ۱۰ درصد در سال از تاریخ اول دسامبر ۱۹۷۹ (۱۰ آذر ماه ۱۳۵۸) تا تاریخ دستور پرداخت حکم به بانک امین توسط کارگزار امانی پرداخت نماید.

پرداخت مذکور از محل حساب تضمینی که طبق بند ۷ بیانیه مورخ ۱۹ ژانویه ۱۹۸۱ (۲۹ دیماه ۱۳۵۹) دولت جمهوری دمکراتیک و مردمی الجزیره افتتاح شده بعمل خواهد آمد.

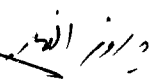
هریک از طرفین مسئول پرداخت هزینه های داوری خود میباشد.


بدینوسیله حکم حاضر جهت اطلاع به کارگزار امانی به ریاست دیوان تسلیم میگردد.

لاهبه تاریخ ۱۳ آوریل ۱۹۸۴ برابر با ۲۴ فروردینماه ۱۳۶۳


نیلس منگارد
رئیس شعبه سه

بنا م خدا


پرویز انصاری معین
موافق


ریچارد ام. ماسک
مخالف